



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات عربی

موضوع:

پژوهشی در شعر و داستان محمدالماغوظ

استاد راهنما:

آقای دکتر عباس عرب

استاد مشاور:

خانم دکتر نجمه رجائی

تهیه کننده:

عزیزالرحمان احمدی

تابستان 1388

سلام افاضه

فهرست مطالب

- 1 کودکی معصومانه و وحشت پیر
- 6 مقدمه

ماغوط، شاعر آزادی

- 13 درآمد
- 14 1-1- زندگی اجتماعی ماغوط
- 16 2-1- زندگی سیاسی ماغوط
- 19 3-1- زندگی مشترک ماغوط
- 21 4-1- ماغوط بعد از سنیه صالح
- 22 5-1- ویژگی‌های فردی ماغوط
- 23 6-1- ایدئولوژی ماغوط و نگاه او به دین
- 26 7-1- جایگاه مجله‌ی «شعر» در زندگی ماغوط
- 27 8-1- آثار ماغوط
- 30 9-1- سبک ادبی ماغوط

قصیده‌ی نثر، قصیده‌ی جدید عربی

- 36 درآمد
- 37 1-2- سیر تاریخی قصیده‌ی نثر
- 38 1-1-2- امین الریحانی مبدع قصیده‌ی نثر
- 41 2-1-2- جبران خلیل جبران

- 42 3-1-2 قصیده‌ی نثر
- 47 2-2 ویژگی‌های قصیده‌ی نثر
- 55 3-2 موسیقی در قصیده‌ی نثر

تکنیک‌های شعری در اشعار محمدالماغوط

- 67 درآمد
- 68 1-3 تمایز حیرت‌انگیز یا پارادوکس
- 73 2-3 تفصیل‌گویی یا ساختار داستانی در شعر
- 78 3-3 بازگشت به گذشته یا استرجاع
- 85 4-3 رنگ در شعر ماغوط

صور خیال در اشعار محمدالماغوط

- 98 1-4 ویژگی‌های صور خیال در شعر ماغوط
- 98 1-1-4 غلبه صور حسی بر صور غیرحسی
- 101 2-1-4 نوآوری و ابتکار
- 105 3-1-4 تصویرهای شگفت‌انگیز و غیرمنتظره
- 111 4-1-4 انحرافات مفهومی
- 117 5-1-4 غموض فنی و قدرت إلقاء (ایحاء)
- 123 6-1-4 قدرت تبدیلی در شعر ماغوط
- 127 نتیجه
- 131 منابع و مأخذ

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر عباس عرب که این پژوهش

ثمرهی راهنمایی های دلسوزانه ودقت نظر ایشان است

و باتشکر از سرکار خانم دکتر نجمه رجایی استاد محترم مشاور

و با قدر دانی از دوستان عزیزم خلیل صویلیح، جمال الدین

شاعری، عبدالاحد صاحبوف وهمهی عزیزانی که به نحوی نگارنده

را در تدوین این تحقیق یاری و همراهی کردند.

تقدیم به؛

مادرم

که هم پدرم هست و هم مادرم

چکیده

رساله‌ی پیش رو پژوهشی است در شعر محمد الماغوط شاعر سوری و یکی از پیشگامان قصیده‌ی نثر عربی. این رساله مشتمل بر 4 بخش است؛ بخش اول به زندگی ماغوط از جنبه‌های مختلف می‌پردازد و در پایان بخش اول سبک ادبی وی به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم به قصیده‌ی نثر اختصاص دارد و شامل 3 فصل است؛ الف) سیر تاریخی قصیده‌ی نثر ب) ویژگی‌های قصیده‌ی نثر ج) موسیقی در قصیده‌ی نثر. بخش سوم به تکنیک‌هایی می‌پردازد که از ویژگی‌های قصیده‌ی نثر است و این ویژگی‌ها در شعر ماغوط بررسی می‌شود، در این بخش 4 تکنیک بر شمرده شده و نمونه‌هایی همراه با تحلیل آنها آورده می‌شود. بخش چهارم و آخرین بخش رساله هم به صور خیال در شعر ماغوط اختصاص دارد و ویژگی‌های تصاویر شعری ماغوط تحلیل و بررسی می‌شود و شامل 6 فصل است که در هر فصل یکی از این ویژگی‌ها همراه با ذکر مثال‌هایی از شعر ماغوط آورده می‌شود.

واژگان کلیدی: محمد الماغوط، قصیده‌ی نثر عربی، تکنیک‌های شعری، صور خیال

کودکی معصومانه و وحشت پیر

غم بزرگ محمدالماغوط این است که در اتاقی تاریک به نام خاورمیانه متولد شد. محمدالماغوط از زمان اولین مجموعه ی شعریش «حزن فی ضوء القمر» تلاش می‌کرد تا دریچه ای ایجاد کند یا پنجره‌ای باز نماید که از ورای آن جهان را به تماشا بنشیند و بوی آزادی را استشمام کند.

اوج این تراژدی آنجاست که ماغوط به تنهایی برای تغییر این واقعیت پافشاری می‌کند و برای تغییر، اسلحه‌ای جز شعر ندارد.

به همان اندازه که کلام در خیال راهی است به سوی آزادی، می‌بینیم که در واقع راهی است به سوی زندان و به خاطر آن که کلام همیشه یکی از بارزترین قربانیان آشفتگی‌های سیاسی در کشورهای عربی بود. این شاعر به دنبال هر تغییری که در جهان عرب روی می‌داد از نگرانی و اضطراب به خود می‌لرزید. در پی یکی از این آشفتگی‌ها و اضطرابات در جستجوییش خارج شدم، او در بحرانی قرار گرفته بود که او را به سوی زندان، بلکه بدتر از آن سوق می‌داد. انتقال ماغوط به اتاقی جدید به من کمک کرد تا او را از انظار پنهان نگه دارم. اتاقی کوچک با سقفی کوتاه که در میانه‌ی یکی از ساختمان‌ها جای گرفته بود، به گونه‌ای که هرکس می‌خواست از درگاه آن عبور کند می‌بایست خم می‌شده گویا می‌خواست از دروازه‌ی آن روزگار عبور کند.

اتاقی با تختی قدیمی، ملحفه‌های زردرنگ و پنبه‌های آبی‌رنگ دراز که نزدیک بود از جایش کنده شود و پرده‌های جامانده از نمایشنامه‌های قدیمی. محمدالماغوط در چنین حال و هوایی ماه‌ها زندگی کرد.

فرض کنیم مشرق عربی لکه‌ی سیاهی بر روی نقشه‌ی گذشته و حال است، رنگ آینده‌ی آن چه خواهد بود؟ بعد از آن است که باید درباره‌ی سرنوشت شعر و شاعران از خلال این

سیاهی و تاریکی جستجو کنیم. اگر مقداری از حافظه‌ی خود کمک بگیریم در می‌یابیم محمدالماغوط در هر صورت جزئی از آینده است، بنابراین در برابر حماقت موجود حمایت می‌طلبید. آیا اگر شعرا را در برابر سلطه‌ی حکومت رها کنیم شعر ما همچون خاکستر نخواهد بود؟ از آنجا که این شاعر سوخته‌ی آتش گذشته و حال است به لهیب آینده پناه آورده تا وجود و ذات دیگری را پیدا کند. اولین روزها برای ما دو نفر یک بازی قهرمانانه بود، اما زمانی که رنگش پرید و بر اثر بیماری زرد شد و عصبانی و تند مزاج گشت اهمیت بازی برایم آشکار شد. غم بزرگم این بود که مبادا طوفان بدون آن که غبارش کرکس را خفه کند، محو شود.

مخفیانه برایش غذا و روزنامه و گل می‌بردم. از این که به عشق و شعر منتسب بودیم به خود می‌بالیدیم، عشق و شعری که چون دنیایی جایگزین و والاتر از دنیای اطراف ما بود. با شیدایی و رغبت دیوانه‌واری مطالعه می‌کرد. من در سرمای سخت و گرمای سوزان به سویش می‌دویدم تا این میل و رغبتش را سیراب کنم، بنابراین بی‌درنگ کتاب‌های گرانبها و نفیسی را که پاره‌پاره بود و بر روی زمین پراکنده شده و لکه‌های قهوه آن را کدر کرده بود جمع می‌کردم و می‌شستم و سپس روی لبه‌ی پنجره پهن می‌کردم تا خشک شود. زمانی که شعارها در دوردست شکل و رنگ مخالف و بیگانه به خود می‌گرفت لهیب خاص ماغوط در نوشته‌های ادبیش شعله می‌کشید.

پیش از آن، محمدالماغوط در بیروت غریب و تنها بود. هنگامی که آدونیس ماغوط را در یکی از نشست‌های مجله‌ی شعر که مملو از اهل ادب بود آورد، برای آنها بعضی از شعرهای جدید و ناآشنا را با صدایی دل‌نشین خواند بدون این که نام سراینده‌ی آن را به زبان بیاورد و شنوندگان را در حالی که سردرگم بودند در اینکه صاحب اثر بود لیر است یا رامبو به خیال خودشان گذاشت...؟

بعد از اندکی آدونیس به جوانی ناشناس و نامرتب و ژولیده مو اشاره کرد و گفت: این، شاعر اثر است... بی شک این غافلگیری همه را دچار حیرت کرد و کنجکاوانه شروع به پیچ کردند. اما او که آرام و بی صدا مراقبش بودم چشمانش درخشید. با این تفصیل و در حال و هوای چنین شخصیتی به غربت ماغوط پی می‌بریم. با گذشت ایام از گوشه‌نشینی دست نکشید بلکه گوشه‌نشینی‌اش را از غربت به سوی عدم پذیرش تغییر داد. هرکس زندگی این شاعر را مورد بررسی قرار دهد در می‌یابد که دوران باروری و پویایی ماغوط با بحران‌ها هم زمان شده است.

«العصفور الأحذب» و سایر آثار ماغوط همیشه در گنج‌ها پنهان بود و بخش بزرگی از دیوان «الفرح لیس مهنتی» در نتیجه‌ی انفجار درونی سخت و عمیقی که در اواخر آن زمستان روی داد به وجود آمد. در این آشفتگی او شروع به یافتن روابط اشیاء با یکدیگر کرد. این ارتباطات به روابط خطرناکی مبدل می‌شد به گونه‌ای که هرگاه یک طرف رابطه طرف دیگر را رها می‌کرد بدون هیچ قدرت و اراده‌ای به لرزه می‌افتاد.

محمدالمغوط از کودکی در پی حمایت و پشتیبانی بود، اما هرگاه به گوشه ای پناه آورد آن را چون زندان، نفس‌گیر و چون ورق، ضعیف و ناچیز می‌یافت، خواست در وجود شعر - جایی که در آن سلطه ای جز برای ممتازان در ادب نیست - وارد شود. محیط آشفته و پرتنش که ماغوط در آن می‌زیست چون تازیانه‌ای در مقابلش می‌ایستاد و ماغوط برای مقابله با آن به قدرت خیال خود پناه می‌آورد. در برابر توطئه‌ی عظیمی که محیط بر او واداشت پاکدلی و صفایش بیشتر و قوی‌تر شد و اقامت مخفیانه‌اش فرصتی عالی را برای تأمل به او فراهم کرد. در مقابل ذره‌بین‌ها وجود انسانی دچار زنجیره‌ای از تحولات می‌شد و اسیدهای فاجعه‌بار و غم‌انگیز خود را بر هرج و مرج بشری فرو می‌ریخت و بدین ترتیب وجود واحدی که در درونش وجودهای بیشماری را حمل می‌کرد ظاهر شد و این همان چیزی بود که ماغوط را بر این داشت تا رنگ‌ها و انواع دیگری غیر از شعر را درنوردد.

ماغوط در شعر، خیال را مرکب خود قرار می‌دهد و ناپدید می‌شود. این بدان معنا نیست که او از واقعیتش آگاهانه چشم می‌پوشد بلکه به معنای بلندپروازی مصرانه‌ای است تا وجودی جایگزین وجود خود را به وجود آورد، وجود دیگری که در سفرش با او همراه باشد و با او گشت و گذار کند. اتاق شعر اتاقی آرام و وسیع و قابل انعطاف است و هر اندازه که شاعر بخواهد تغییر می‌یابد. اما اینک برای ماغوط که در میان دیوارهای آلوده اسیر شده چاره‌ای جز روبروشدن با واقعیت نیست. بنابراین اوضاع و شرایط ماغوط بر شخصیت قهرمانان «العصفورالأحدب» منعکس می‌شود که آن‌ها را محبوس و بدمنظر و تندمزاج و سرتا پامسلح جلوه می‌دهد. مسافت در نمایشنامه، آن‌ها را به سوی آرزوهایشان یا به سوی چیزی برتر و بهتر منتقل نمی‌کند بلکه آن‌ها را احاطه می‌کند و زمانی که آزادی را به دست آوردند ارزش‌های والای انسانی‌شان تغییر کرد، وارد روابط جدیدی شدند و بار دیگر بازی حاکم و محکوم را شکل دادند که علی‌رغم آزادی که بعد از آن به دست آوردند نتوانستند به خارج از مرزهای آن بروند. در «گنجشک گوژپشت» ماغوط با عامه‌ی مردم به گونه‌ی مقابله و مواجهه برخورد نکرد و در حالت یک رهبر با آن‌ها روبرو نشد. به دلیل آن که زمان میان او و دیگران زیاد و چشمگیر بود اثرش به عنوان کار نمایشنامه‌ای پذیرفته نشد و قصیده نامیده شد. در حقیقت ماغوط در «گنجشک گوژپشت» فرماندهی بود که در پی‌اش سپاهی متلاشی و قربانی و مصیبت زده حرکت می‌کرد به همین دلیل فرمانده در «المهرج» عقب‌نشینی کرد و آن رسوایی‌ها را برملا ساخت.

محمدالماغوط از جمله‌ی بارزترین انقلابیونی به شمار می‌رود که شعر را از بند و قید شکل آزاد کردند، در حالی وارد میدان نزاع و نبرد شد که در خیال خود و دفاتر زیبایش نخستین قصیده‌های نثر را به عنوان شکلی ابتکاری و نو و به عنوان جنبشی پشتیبان جنبش شعر نو حمل می‌کرد.

زمانی که پرچم‌های سفید و لرزانش بر بالای بلندترین دژها به اهتزاز درآمد، باد با حرارت بر میدان نزاع و درگیری می‌وزید و روزنامه‌ها غرق در اشک کسانی بود که بر سرنوشت شعر می‌گریستند. بدوی بودن ماغوط نقش مهمی در ایجاد این نوع از شعر ایفا کرد زیرا موهبت و استعداد ماغوط که نقش خود را با اصالت و آزادی ایفا کرده بود از تربیت میراث گذشته و مانع بودن آن برای اصلاح و تربیت مصون مانده بود. این چنین بود که موهبت ماغوط از تحجر و جمود در امان ماند. این امر خود یکی از فضیلت‌های کمیاب این عصر به شمار می‌رود.

مقدمه‌ی سنیه صالح بر آثار محمدالماغوط

مقدمه

اگر در آسمان شعر عربی ستارگان زیادی درخشیده‌اند اما آثاری که محمدالماعوط در ادب عربی به جای گذاشت انفجار بزرگی را که این ستارگان پیش از او پدید آوردند درخود پنهان دارد، یک شاعر و ناقد استرالیایی گفته بود اگر چهار یا پنج شاعر بزرگ جهان را بخواهیم برگزینیم ماغوط یکی از آنها خواهد بود.

محمد الماعوط در سال 1934 میلادی در شهر سلمیه متولد شد. وی در طول زندگیش

انسانی فقیر و اندوهگین بود و زندانی شدنش در سن 19 سالگی زندگی او را تغییر داد و از

کشاورزی ساده به کسی که با وحشت و کابوس زندگی می‌کرد مبدل کرده و او را شاعر

ساخت و مجبورش کرد تا معنای زندگی، آزادی، زن، آسمان و ... را کشف کند. ماغوط

تحصیلات آکادمیک نداشت و پس از یک سال تحصیل در رشته‌ی مهندسی کشاورزی ترک

تحصیل کرد زیرا به گفته‌ی خودش تخصصش حشرات بشری بود نه حشرات زراعی. پدر و

مادر ماغوط انسان‌هایی فقیر و کارگر بودند که ساده‌زیستی و بدوی بودن، دو مشخصه‌ی

اصلی ایشان بود. ماغوط بدون آن که تمایلی به فعالیت‌های سیاسی داشته باشد به ناگاه

خود را در عرصه‌ی سیاست یافت که تاوان سختی برای این کار پرداخت و زندانی شد و

این زندان از او شاعری ساخت که در نوع خود بی‌نظیر است. محمدالماعوط زیباترین

قصاید نثر را از سر تصادف نگاشت و مکتبی شعری را بی‌آن که بداند پایه نهاد، به همان

میزان که شاعر واقعیت‌های امروز است، شاعر آینده هم به شمار می‌آید. شعرش برآمده از

زیستن شعر و خود زندگی است. از تلخی عزلت گرفته تا ترسی که زود هنگام در زندان

کشف کرد، تا خیابان که از آن بسیار آموخته است. قریحه و استعداد والای او در کنار

فرهنگ ساده‌ای که به داشتن آن اعتراف می‌کند شعرش را پایه نهادند. موهبت ماغوط

طبعی وحشی و غریزی دارد، شعرش را تنفس می‌کند بی‌آن که درصدد باشد آن را بسازد یا

به آن پایه‌ی معرفتی و تئوریک بخشد، شاعری که از نخستین چهره‌های منادی خروج از قالب و محتوای شعر سنتی بود و در این راه بسیاری را جذب و همراه کرد. گرچه شعرش هیچ‌گاه از نوستالژی پیچیده، جنبه‌ی تراژیک و دغدغه‌های زیبایی‌شناختی و زبانی تهی نبود، همه‌ی دل مشغولیش اعتراض، پا در خاک داشتن و گوش سپردن به نوای جریان روزمره و در حال گذر زندگی بود. سه دیوان شعرش یعنی اندوه در نور ماه (1959م)، اتاقی با میلیون‌ها دیوار (1961 م) و شادی پیشه‌ی من نیست (1970 م) همچنان ماندگار مانده است و هیبتی است برآمده از اعماق تجربه‌ای زنده.

هدف از نگارش این رساله آشنانمودن هر چه بیشتر دوستداران ادبیات معاصر عرب با زندگی و شعر این شاعر ادیب و برجسته یعنی محمدالماعوط است.

نگارنده به این دلیل که هنوز بخش‌های فراوانی از ادبیات معاصر عربی مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته یا حداقل چنین پژوهش‌هایی توسط پژوهشگران یا دانشجویان ایرانی انجام نشده است، به این دلیل و به سبب اینکه شخصاً به ادبیات معاصر عربی علاقه داشته و خصوصاً با دیدگاه و شعر ماعوط خود را هم صدا و هم اندیشه یافتم، این موضوع را با راهنمایی‌های اساتید بزرگوار انتخاب کرده‌ام.

در مورد سابقه‌ی موضوع باید گفت با وجود آن ماعوط شاعری بزرگ در عرصه‌ی ادبیات معاصر عربی است و یکی از پیشگامان قصیده‌ی نثر محسوب می‌شود، حتی گروهی او را پیش‌تاز این نوع ادبی می‌دانند اما به این دلیل که وی به موضوعاتی چون آزادی و حقوق بشر پرداخته و از شرایط موجود کشورش و جهان گله‌مند است آن‌چنان که باید به شعرش که دارای صبغه‌ی سیاسی و اعتراضی است پرداخته نشد. این نوع ادبیات با شرایط و فضای سیاسی حاکم بر جهان عرب و به طور دقیق‌تر بر فضای سیاسی سوریه - زادگاه شاعر - در تعارض است که چنین ادبیات و شخصیت‌هایی را بر نمی‌تابد. تا سال 2005م یعنی یک سال پیش از درگذشت ماعوط کسی به خود اجازه‌ی بررسی شعر و شخصیت

ماغوط را آن چنان که شایسته است نمی‌داد، اگر هم به چنین موضوعاتی پرداخته شده به طور مختصر و از جنبه‌هایی که با سیاست و شرایط سیاسی سوریه در تقابل نباشد صورت گرفته است، مثلاً جنبه‌هایی از شعر و شخصیت ماغوط از دیدگاه روانشناسی و علل سرکشی و تمرد وی. حتی پیش از این سال تنها یک رساله در مورد وی نگاشته شده با عنوان «شعرية الصورة في قصيدة النثر لدى محمد الماغوط» که رساله کارشناسی ارشد خانم لیلی ابراهیم المغرقوفی از دانشگاه لاذقیه است و تاکنون رساله‌ی دیگری چه در کارشناسی ارشد و چه در مقطع دکترا به رشته‌ی تحریر در نیامده است. اما بعد از سال 2005 که رئیس‌جمهور سوریه در این سال جایزه‌ای ادبی به ماغوط اهدا کرد، شعر و نثر او بیشتر مورد بررسی قرار گرفت و کتاب‌هایی در مورد آن نگاشته شد.

بنابر همه آن چه گفته شد طبیعی است در نظر خواننده و مخاطب فارسی زبان، شعر و زبان و شخصیت ماغوط ناشناخته مانده باشد. از میان آثار ماغوط هم تنها یک دفتر وی با عنوان «شادی پیشه‌ی من نیست» توسط موسی بیدج به فارسی برگردانده شده است. به جز همه‌ی این‌ها از نظر برخی دیگر از نویسندگان عرب، انزوا و عزلت ماغوط و عدم ارتباط او بادیگران باعث شده بود پیش از پیش به مشروبات الکلی و سیگار روی آورد و آنرا دلیلی می‌دانند بر این که موجب عدم دسترسی پژوهشگران به وی و در نتیجه عدم تمایل آن‌ها به پژوهش در مورد شعر و نثر او شده است.

بنابر همه‌ی این توضیحات و به خاطر آشناساختن مخاطب فارسی زبان با شخصیت فردی و هنری محمد الماغوط و ادب او نگارنده ماغوط را موضوع تحقیق قرار داده است. از آن جا که بیشتر رساله به بررسی شعر ماغوط اختصاص داده شده لازم بود پیش از آن نوع شعری که وی به آن سبک و روش شعر سروده یعنی قصیده‌ی نثر مورد بررسی قرار گیرد تا خواننده قبل از آن که با شعر ماغوط آشنا شود قصیده‌ی نثر عربی را شناخته باشد.

رساله‌ای که در پیش رو دارید شامل سه بخش اصلی است به شرح زیر:

بخش اول که شامل فصل‌های مختلفی از زندگی ماغوط است و زندگی اجتماعی، زندگی سیاسی، زندگی مشترک و ... را در بردارد. نیز در این بخش به سبک کلی ادب او پرداخته می‌شود تا خواننده با تصویری کلی از شخصیت و ادب محمدالماغوط آشنا شود. بخش دوم رساله به قصیده‌ی نثر می‌پردازد و در 3 فصل تنظیم شده است، فصل اول به

موضوع تسمیه‌ی قصیده‌ی نثر و سیر تاریخی آن از مرحله‌ی شعر منثور تا قصیده‌ی نثر می‌پردازد که چگونه از شعر منثور آغاز شده و به قصیده‌ی نثر منتهی می‌شود، نیز تفاوت‌ها و اشتراکات میان این دو نوع شعری و بنیانگذاران و پیشتازان این دو سبک بررسی می‌شود. فصل دوم مربوط می‌شود به ویژگی‌های کلی قصیده‌ی نثر، ویژگی‌هایی که میان قصیده‌ی نثر و میان قصیده‌ی تفعلیه و قصیده‌ی عمودی مشترک است و ویژگی‌هایی که پیشتازان این نوع شعری آن را منحصر به قصیده‌ی نثر می‌دانند.

در فصل سوم به موضوع موسیقی و ایقاع داخلی در قصیده‌ی نثر پرداخته می‌شود. قصیده‌ی نثر به عنوان یک نوع ادبی در اولین گام وزن و موسیقی را کنار گذاشت و وارد عرصه‌ی نثر شد، با این وجود بعضی از صاحب‌نظران به وجود نوعی موسیقی در این قصیده اصرار دارند.

بخش سوم این رساله به تکنیک‌های شعری که موجب بالارفتن ارزش و درجه‌ی قصیده‌ی نثر می‌شود و در شعر محمدالماغوط این تکنیک‌ها را مشاهده می‌کنیم پرداخته شده است و نمونه‌هایی از شعر وی که این تکنیک‌ها در آن به چشم می‌خورد آورده می‌شود. تکنیک‌هایی از جمله؛

1- تمایز حیرت‌آور

2- تفصیل‌گویی یا ساختار داستانی در شعر.

3- بازگشت به گذشته یا استرجاع flashback

4- استفاده از رنگ‌ها

بخش چهارم و آخرین بخش رساله به صور خیال در شعر ماغوط اختصاص داده شده و بعد از آوردن نمونه‌هایی از تشبیه و استعاره که از اشعار ماغوط استخراج شده ویژگی‌های برجسته‌ی این تصاویر مورد بررسی قرار گرفته است و 6 ویژگی که در تصاویر شعری ماغوط پررنگ‌تر به چشم می‌خورد عنوان شده است:

1- غلبه‌ی صور حسی بر صور غیرحسی

2- ابتکار و نوآوری

3- تصاویر شگفت‌انگیز

4- انحرافات مفهومی در تصاویر

5- غموض فنی و قدرت القائی

6- قدرت تبدیل در تصاویر.

در این پژوهش نگارنده به دلیل آن که هیچ اثری از آثار منتشرشده‌ی ماغوط تقریباً در هیچ یک از دانشگاه‌های کشور موجود نبود و نیز عدم وجود کتاب‌هایی که به قصیده‌ی نثر پرداخته باشد ناگزیر هم آثار ماغوط را از کشور سوریه تهیه کرده و هم برای پژوهش در مورد قصیده‌ی نثر با سفر به سوریه در آن جا به بررسی این موضوع پرداخته است. اما در زادگاه شاعر هم جز آثار ماغوط، کتاب‌های منتشر شده که به بررسی شعر و نثر ماغوط پرداخته کمیاب و تا حدودی نایاب بود، به طوری که این کتاب‌ها در مراکز نشر آن‌ها هم یافت نمی‌شد، لذا در بخش‌هایی که شعر ماغوط مورد بررسی قرار گرفته مستقیماً با مشورت و مساعدت جناب آقای خلیل صویح نویسنده‌ی سه اثر در مورد آثار و شخصیت ماغوط، شعر وی مورد بررسی قرار گرفته که در این جا از زحمات ایشان که حتی از مشاغل روزانه دست کشیده و وقت خود را جهت مساعدت نگارنده و روشن‌تر ساختن بخشی از شعر و شخصیت ماغوط مصروف داشتند صمیمانه سپاسگزارم. همچنین بخش دوم رساله که در مورد قصیده‌ی نثر است با مراجعه‌ی روزانه به کتابخانه‌ی «الأسد» دمشق و

فیش برداری از کتاب‌هایی که آقای صویح آن‌ها را معرفی می‌کرد انجام شد، این نیز به دلیل عدم عضویت نگارنده در این کتابخانه مشکلات زیادی را به همراه داشت.

در پایان برخورد لازم می‌دانم که احترام و سپاس فراوان خود را تقدیم اساتید بزرگواری کنم که با دانش و معرفت خود در طی دوران تحصیل راه را برای آینده‌ای بهتر و روشن‌تر در مسیر زندگیم فراهم نمودند، به خصوص استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر عباس عرب که با راهنمایی‌های صمیمانه و دلسوزانه‌ی خود مرا هر چه بیشتر در رسیدن به هدف مساعدت نموده و از تجربیات استادانه‌شان بهره‌مند ساختند، همچنین از سرکار خانم دکتر رجایی استاد محترم مشاور که مرا در تدوین و تهیه بهتر این رساله یاری نمودند و نیز دوست عزیز و گرامی جناب آقای خلیل صویح و جمال‌الدین شاعری و عبدالأحد صاحبوف و تمامی دوستانی که به هر نوعی مرا در به بار نشستن این رساله یاری کردند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و من الله التوفیق

بخش اول:

محمدالماغوط شاعر آزادی

درآمد

شاید برای پژوهشگر و مخاطب فارسی زبان بسیاری از شعرا و نویسندگان عرب به دلیل آن که دارای سبک خاص و ادب والایی نیستند، این شعرا و نویسندگان ناشناخته باشند اگرچه ممکن است در میان کشورها و مجامع عربی دارای اسم و شهرت باشند، از سوی دیگر بسیاری از شعرا و ادبای عرب هستند که دانشجویان و مخاطبانی غیر از دانشجویان علوم انسانی و حتی کسانی که تحصیلات آکادمیک ندارند با شخصیت، شعر و نثر ایشان آشنا هستند، بزرگانی چون آدونیس، نزارقبنی، جبران خلیل جبران و

در این میانه گروهی از ادبا و نویسندگان هستند که با وجود آن که دارای سبک والا و راقی هستند و شعر و نویسندگی شان از مرتبه‌ی بالایی برخوردار است باز هم ناشناخته مانده و آن گونه که باید کسی با ادب و شخصیت ایشان آشنا نیست. از جمله‌ی این ادیبان می‌توان به سیدقطب اشاره کرد که با وجود توان بالای ادبی و فراوانی آثار به دلیل آن که مورد غضب کشور مصر قرار گرفت امروزه فقط به عنوان یک پژوهشگر دینی شناخته می‌شود که تنها تفسیر «فی ظلال القرآن» را نگاشته است. در ادب فارسی نیز ادیبانی این چنین هستند که احمد شاملو از آن جمله است که هم تفاوت شعر وی با بیشتر شعر مکتوب فارسی و هم این که نخواستند شناخته شود، آن چنان که شایسته‌ی اوست نه خودش و نه شعرش شناخته شده نیست و به شعرش پرداخته نشده. محمدالماعوط نیز از همین دسته‌ی سوم است که علی‌رغم این که بسیاری او را بزرگترین شاعر قصیده‌ی نثر و حتی پیشتاز و مبدع این نوع ادبی می‌دانند به خاطر تلاش‌های آزادی‌خواهانه و دیدگاه‌های اجتماعی نسبت به انسان امروز نه تنها در میان فارسی‌زبانان بلکه در کشورهای عربی هم به اندازه‌ای که چنین شاعر بزرگی مستحق آن است به شعر و نثر و شخصیت او توجه نشده و ناشناخته مانده است، مخصوصاً برای مخاطب ایرانی که پیش از شعرش خود او نیز کاملاً ناآشناست. لذا بخش اول این رساله به زندگی ماعوط از جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فردی و ایدئولوژیک و ... اختصاص داده شده است.